



مدل‌های نبوت و نقش‌های مختلف انبیاء در قرآن به روایت محقق آمریکایی

اندرو اوکانر، قرآن‌پژوه آمریکایی می‌گوید تحقیقات او نشان می‌دهد که قرآن از دو دسته از انبیاء سخن می‌گوید؛

اندرو اوکانر، قرآن‌پژوه آمریکایی می‌گوید تحقیقات او نشان می‌دهد که قرآن از دو دسته از انبیاء سخن می‌گوید؛ دسته نخست، مربوط به پیامبران بشارت‌دهنده است و دسته دوم شامل پیامبرانی است که مرجعیت اجتماعی، سیاسی و نظامی داشتند.

به گزارش اینکنا، چهارمین مدرسه تابستانی انعکاس با موضوع «قرآن و عهدین: سنت‌ها، بافتارها و بینامتن‌ها» شهریور امسال برگزار شد.

این برنامه با همکاری دانشگاه اکستر برگزار شد و در آن، ارائه‌کنندگانی از کشورهای مختلف گرد هم آمدند که پیش از این، دستاوردهای علمی خود در این حوزه را در مجلات یا مجامع علمی بین‌المللی عرضه کرده‌اند.

در چهارمین مدرسه تابستانی انعکاس، ۴۰ ساعت ارائه علمی با پرسش و پاسخ در ۶ روز ارائه شد و ۱۹ استاد از دانشگاه‌های ۱۴ کشور مختلف، ۵ سخنرانی به زبان فارسی و ۱۴ سخنرانی به زبان انگلیسی ارائه کردند.

اندرو اوکانر (Andrew O'Connor)، پژوهشگر آمریکایی از جمله اساتید این مدرسه تابستانی بود. اوکانر مدرک دکترای خود را در رشته ادیان جهانی و مطالعات قرآنی از دانشگاه نوتردام زیر نظر گابریل سعید رینولدز گرفت. وی هم‌اکنون استاد رشته الهیات و مطالعات ادیان در کالج سن نوربرت در ویسکانسین آمریکاست.

مطالعات اوکانر بر قرآن و ارتباط آن با سنت‌ها و متون یهودی و مسیحی متمرکز است. او ارائه‌های متعددی در کنفرانس‌های بین‌المللی داشته و نتایج مطالعات خود در مورد روابط بین ادیان را ارائه کرده است. وی در سال ۲۰۱۹ دکترای خود را با پایان‌نامه‌ای در زمینه مفهوم نبوت در قرآن و بررسی ماهیت پیامبران و نقش آنها به پایان رساند. پایان‌نامه او مورد پذیرش انجمن بین‌المللی مطالعات قرآنی (International Qur'anic Studies Association) قرار گرفت و قرار است تا یک سال آینده به صورت کتاب منتشر شود.

روش‌شناسی مبتنی بر متن قرآن

اوکانر در این ارائه، روش‌شناسی خود را تمرکز بر سیمای انبیای الهی در قرآن بدون اتکا به منابع بعدی مانند حدیث یا سیره عنوان کرد. او برای تفسیر نقش‌های نبوی در قرآن، مستقیماً به خود متن قرآن ارجاع می‌داد. اوکانر سخنرانی خود را با بحث مختصری درباره «فرهنگ نبوی» آغاز کرد و دو کلمه‌ای را که در قرآن کریم به پیامبران اشاره می‌کند، توضیح داد.

به گفته وی یکی از این دو اصطلاح «رسول» است که ۵۲۴ بار در قرآن آمده و به انسانی فرستاده شده از سوی خداوند به جامعه‌ای خاص اشاره دارد و دیگری کلمه «نبی» است که کمتر تکرار شده و ۷۵ بار در قرآن ذکر شده است. اوکانر اصطلاح «نبی» را در قرآن و شباهت‌های آن با اصطلاحات به کار رفته در زبان‌های عبری و مسیحیت اولیه بررسی و خاطر نشان کرد که این اصطلاح مشابه کلماتی است که در این زبان‌ها وجود دارد. وی تأکید کرد که این واژه در کنار «رسول» برای شخصیت‌های برجسته‌ای که از سوی خداوند فرستاده شده‌اند به کار می‌رود.

او قبل از ارائه تاریخچه مختصری از پیامبران، جزئیاتی در مورد روش‌شناسی خود برای تحقیق ارائه کرد. مطالعه او دو الگوی اصلی نبوت را در قرآن معرفی می‌کند که وی آنها را مدل کریگماتیک و مدل تئونومیک نامیده است.

اوکانر با تأییدپذیری از مقاله سیدنی گریفیث (Sidney H. Griffith)، استاد آمریکایی مطالعات مسیحیت با عنوان «الگوی قرآنی پیامبران و رسولان» یادآور شد که گریفیث معتقد است قرآن، نوع‌شناسی خاصی از مفهوم پیامبری را توسعه می‌دهد که مستقل از سنت‌های دینی قبلی است.

به گفته وی گریفیث به شناسایی الگوهای مشترک در گزارش‌های پیشین از پیامبران پرداخته و از دیدگاه او مفهوم قرآن از پیامبری، جهانی و دیالوژیک است؛ به این معنا که پیامبران با جوامع خود وارد گفت‌وگو می‌شوند. آنها پیام واحدی درباره خدا، پاداش و مجازات الهی می‌آورند. اوکانر همچنین گفت که قرآن چگونه مدل‌های مختلفی از نبوت را فراتر از چارچوب گریفیث ارائه می‌دهد و چگونه سوره‌های مختلف ممکن است مدل‌های متفاوتی از پیامبری را ارائه دهند.

وی افزود: فرضیه من این است که قرآن دو مدل اصلی از پیامبری دارد: مدل کریگماتیک که به انبیاپی اشاره دارد که به موعظه می پردازند و مدل تئونومیک که بر انبیاپی که به حکومتداری پرداختند تمرکز دارد. این مدل ها نه تنها متناقض نیستند بلکه جنبه های مختلف نقش پیامبری را نشان می دهند. اوکائر معتقد است که قرآن می تواند بسته به زمینه هر سوره، موضوعات خود را تطبیق و جنبه های مختلف پیامبری را در متن خود بازتاب دهد.

اوکائر درباره روش شناسی خود گفت: روش مطالعه من بر تمرکز صرف بر متن قرآن بدون تکیه بر سنت ها یا منابع بعدی مانند حدیث و سیره پیامبر تأکید می کند. هدف من بررسی مفهوم نبوت مستقیماً از متن قرآن است. به نظرم مدل های کریگماتیک و تئونومیک به خوبی در زمینه سوره های مکی و مدنی تناسب و همخوانی دارد.

وی افزود: من به بررسی نقش های تاریخی پیامبران با استفاده از داده های باستان شناسی می پردازم و تغییرات نقش آنها را در جوامع و دوره های زمانی مختلف مورد توجه قرار داده ام و پیامبر را به طور کلی فردی تعریف می کنم که وحی الهی را دریافت و به دیگران منتقل می کند و این امر، نبوت را از سایر روش های پیشگویی متمایز می کند.

اوکائر گفت: داده های تاریخی که بررسی کرده ام نشان می دهد که در بابل و آشور باستان، پیامبران معمولاً با معابد مرتبط بودند و به پادشاهان در امور سیاسی و نظامی مشاوره می دادند. این الگو در سرزمین بنی اسرائیل نیز ادامه داشت؛ جایی که پیامبران با معابد و نیز امور دولتی مرتبط بودند. پس از تبعید بابلی، موضوع پیشگویی بیش از ارتباط با نقش مشاوره سیاسی با متون و ادبیات مرتبط شد.

اوکائر در ادامه گفت: در یهودیت و مسیحیت متأخر، پیامبران به عنوان شخصیت های کلیدی در تفسیر متون مقدس و رهبری جنبش های اسطوره شناختی دیده شدند و بیشتر از وابستگی سیاسی بر عدالت اجتماعی و راهنمایی معنوی تمرکز کردند. وی ادامه داد: تفسیرهای نوع شناختی از متون مربوط به انبیا نیز اهمیت دارد زیرا الگوهای پیشگویی به عنوان الگوهای تکرار شونده در میان پیامبران مختلف دیده می شود و این رویکرد نوع شناختی در قرآن نیز مشهود است.

در ادامه اوکائر به بررسی استفاده قرآن از تفسیرهای نوع شناختی در مورد شخصیت پیامبران پیشین برای انتقال پیام های گسترده تر پرداخت. او اشاره کرد که قرآن داستان های پیامبران را برای بیان موضوعات مختلفی مانند فرمان الهی، پابندی به ایمان و توبه به کار می برد. این داستان ها، در حالی که عناصر مشترکی دارند به صورت انعطاف پذیر و همراه با تغییراتی برای پرداختن به مفاهیم خاص در سوره های مختلف استفاده می شوند.

او مثال هایی مانند داستان های نوح، ابراهیم، لوط و موسی را ارائه و تأکید کرد که این آیات، اغلب برای تقویت پیام یا نشان دادن اخلاقیات الهی به کار می روند. به عنوان مثال، در سوره ص، قرآن به پیامبرانی مانند داود، سلیمان و ایوب اشاره می کند تا بر موضوعات ایمان و توبه تأکید کند نه اینکه صرفاً داستان های آنان را تکرار کند.

اوکائر در ادامه دو مدل اصلی از نبوت در قرآن را معرفی کرد

مدل اول که او آن را «مدل کریگماتیک» (Kerygmatic Model) نام گذاری می کند، بر پیامبر به عنوان موعظه کننده ای که پیام های مربوط به داوری الهی و آینده را ارائه می دهد، تمرکز دارد. این مدل با آیات مکی قرآن هماهنگ است که در آن ها پیامبران به عنوان مبلغ پیام های الهی و نه به عنوان رهبران یا حاکمان فعال به تصویر کشیده می شوند. او این مدل را به چهار بخش کلی تقسیم می کند. یکی از این بخش ها، ماهیت ضمنی نقش های پیامبری در قرآن است؛ جایی که مسئولیت های پیامبران همیشه به صراحت بیان نمی شود. این مدل بر روی نقش پیامبر به عنوان «اعلام کننده اراده الهی» و «محدودیت های مسئولیت های او» تأکید می کند.

مدل دوم: مدل تئونومیک (Theonomic Model)؛ این مدل بر حکومت در جامعه بر اساس قانون الهی استوار است و نخستین بار به طور خاص به نقش موسی و فرمان های کوه سینا اشاره می کند. این مدل به نقش پیامبر به عنوان ناظر و رهبر جامعه می پردازد. به نظر می رسد این مدل با مدل سوره های مدنی کاملاً سازگار است. در این مدل، نقش پیامبر تنها به موعظه محدود نمی شود، بلکه او به عنوان رهبری فعال و ناظر در جامعه عمل می کند و نقش فعال تری در تبلیغ ایمان دارد. این مدل ویژگی های جدید و متمایزی را معرفی می کند.

اوکائر درباره این مدل به چند نکته کلی اشاره کرد:

۱. اختیارات پیامبر(ص): پیامبر در مدینه به عنوان مقام قانونی و نظامی شناخته می شود و اختیارات او به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. او به عنوان یک مقام قانونی و ناظر عالی رتبه در جامعه عمل می کند.

۲. لزوم اطاعت از پیامبر(ص): در آیات مدنی، عباراتی وجود دارد که بر اطاعت از پیامبر تأکید دارند. این عبارات به طور مکرر در آیات مدنی دیده می شوند و بر لزوم اطاعت از پیامبر به عنوان بخشی از اطاعت از خداوند تأکید می کنند.

۳. نقش پیامبر در جامعه: پیامبر در مدینه نقش مدیریتی و نظامی پررنگ تری دارد. او نه تنها به موعظه می پردازد بلکه در مدیریت امور جامعه و نظارت بر زندگی مردم نیز دخالت دارد. در آیه ها و متون مختلف، نقش پیامبر به عنوان ناظر و رهبر به وضوح قابل مشاهده است. برای مثال، او وظیفه دارد که غنایم جنگی را مدیریت کند و قوانین مشخصی برای رفتار با او وجود دارد.

۴. تفاوت با مدل مکی: در مدل مکی، پیامبر عمدتاً به موعظه و انتقال پیام های الهی می پردازد، در حالی که در مدل مدنی، پیامبر نقش فعالی در هدایت و مدیریت جامعه و وضع قوانین دارد. این تفاوت نشان دهنده تغییرات عمده ای در نحوه ایفای نقش پیامبر و تأثیر آن بر جامعه اسلامی است.

در مجموع، مدل مدنی قرآن به نقش فعال پیامبر به عنوان ناظر و مدیر جامعه تأکید دارد، که تفاوت های مشخصی با مدل مکی دارد که بیشتر بر موعظه و انتقال پیام متمرکز است. در مدینه، نقش پیامبر شامل اجرای قوانین الهی، قضاوت در اختلافات و رهبری جامعه در جنگ ها می شود. این تغییر نشان دهنده وضعیت پیامبر به عنوان یک مقام قانونی و نظامی است. قرآن بر اطاعت از پیامبر، نه فقط به عنوان یک راهنمای معنوی، بلکه به عنوان یک شخصیت قانونی و نظامی تأکید می کند. نقش انذار و بشارت انبیاء از دیدگاه قرآن

اوکافر در ادامه به بررسی نقش دوگانه پیامبران در قرآن به عنوان هشداردهنده (نذیر) و بشارت دهنده (بشیر) پرداخت. به گفته او این دو وظیفه با مفهومی گسترده تر در قرآن مطابقت دارد که پیامبران هم هشدارهای لازم درباره روز قیامت را می دهند و هم به مؤمنان امید و بشارت می دهند.

۱. نقش هشداردهنده: پیامبران عمدتاً به عنوان هشداردهنده(نذیر) عمل می کنند و مردم را از عواقب اعمالشان آگاه می سازند و آن ها را به توبه فرا می خوانند. این جنبه از نقش آن ها در سوره های مکی قرآن تأکید بیشتری دارد، جایی که نقش اصلی پیامبر، هشدار دادن به مردم درباره عذاب الهی قریب الوقوع است. به عنوان مثال، در سوره ۲۶، نوح نقش خود را به عنوان هشداردهنده ای روشن معرفی و تأکید می کند که او فقط برای هشدار دادن آمده و از مردم انتظار هیچ پاداشی ندارد. نقش هشداردهنده به طور برجسته ای توصیف می شود و بر ضرورت توبه و پیامدهای شدید عدم ایمان و کفر تأکید دارد.

۲. نقش بشارت دهنده: علاوه بر نقش هشداردهنده، پیامبران همچنین بشارت هایی خوب برای مؤمنان می آورند. این جنبه، هرچند وجود دارد اما نسبت به نقش هشداردهنده کمتر مورد تأکید قرار می گیرد. به گفته وی در قرآن نقش هشداردهنده غالب تر است.

او سپس به بررسی آیاتی از قرآن می پردازد که نشان می دهند چگونه پیامبران نقش و مسئولیت های خود را بیان و اغلب تأکید می کنند که آنها برای مأموریت پیامبری خود پاداشی نمی طلبند. قرآن به طور مکرر تأکید می کند که پیامبران موظف به هشدار دادن به مردم درباره داوری الهی و هدایت بدون انتظار پاداش هستند. او در ادامه به تفصیل به نقش پیامبران در قرآن پرداخت. به گفته وی نقش پیامبران به طور کلی شامل بشارت و انذار می شود.

اوکافر معتقد است که در این مسیر آن ها محدودیت ها و قیودی دارند. یکی از آن ها عدم دریافت پاداش مادی است. پیامبران موظفند از درخواست پاداش یا جبران مادی برای مأموریت پیامبری خود خودداری کنند. نقش آنها این است که پیام را بدون انتظار دریافت چیزی در عوض آن، انتقال دهند.

الزام دیگر انبیاء از دیدگاه قرآن، صبر و عدم مداخله است. پیامبران موظفند صبور باشند و از شتاب و رفتار فراتر از وظایف پیامبری خودداری کنند. آنها باید منتظر برنامه خداوند باشند و نگران نتایج فوری نباشند و نتیجه کار را به خداوند بسپارند.

در این مسیر قدرت و اختیارات پیامبران محدود است. آن ها هیچگاه حق کنترل یا اجبار مردم به ایمان را ندارند. آنها تنها مسئول انتقال پیام و راهنمایی کسانی هستند که پذیرای پیام باشند. نقش آنها به هدایت معنوی و هشدار محدود است. قرآن به صراحت بیان می کند که پیامبران مسئولیتی در مورد مجبور کردن مردم به ایمان یا مدیریت رفتار آنها ندارند. آن ها فقط موظف به

انتقال پیام هستند و بقیه کارها را به خداوند می سپارند.

تحلیل اوکانر نشان می دهد که قرآن تمایز واضحی بین نقش پیامبران به عنوان پیام آور و دخالت آن ها در اجبار یا کنترل ایمان و رفتار قائل است. در این مدل تمرکز اصلی بر روی وظیفه آن ها به عنوان مبلغان پیام های الهی و محدودیت های اختیارات و مسئولیت هایشان است.

مطالعه اوکانر نشان می دهد که در قرآن مدل های مختلفی از نبوت وجود دارد که لزوماً متناقض نیستند بلکه جنبه های مختلف نقش های پیامبری را منعکس می کنند. این رویکرد دوگانه، دیدگاه منحصر به فرد قرآن را در مورد نبوت نشان می دهد که از سنت های پیشین متمایز است.

اوکانر به چندین سؤال در مورد نقش های پیامبری و اجر مادی در سنت های مختلف نیز پرداخت. به گفته او در برخی متون کتاب مقدس، پیامبرانی مانند میکاه و عاموس به نقد برخی از انبیای بنی اسرائیل می پردازند که درخواست پاداش مادی، مانند پول یا غذا از مردم می کردند و این را نشانه ای از انحراف می دانستند.

وی افزود: در پاسخ به سؤال درباره اینکه کدام پیامبر از نظر تاریخی و متنی به محمد(ص) نزدیکتر است، پاسخ می تواند متفاوت باشد. از نظر تاریخی، نقش محمد ممکن است مشابه پیامبرانی باشد که جوامع خود را رهبری کردند، مانند سلیمان یا داود اما متن قرآن ممکن است بر جنبه های مختلفی از این شباهت ها تأکید کند. مقایسه ها نشان می دهد که عیسی یا دیگر شخصیت های یهودی قرن اول، مانند کسانی که در عهد جدید ذکر شده اند، به عنوان کسانی که از قیامت قریب الوقوع خبر می دادند مدل اول و کسانی که جنبش هایی را رهبری می کردند و در مدل دوم جای می گیرند، مشابه برخی مضامین در قرآن هستند. اما از نظر تاریخی، موسی متفاوت از آنچه که در متون متأخر عبری به عنوان پیامبر آمده است، دیده می شود.

در مورد حضرت محمد(ص)، دو مدل پیامبری مکی و مدنی در قرآن وجود دارند، اما مدل مکی بیشتر بر هشدار و موعظه متمرکز است و مدل مدنی بیشتر در بر دارنده نقش های رهبری است. زبان قرآن این تغییر را نشان می دهد و از هشدار صرف به هدایت و رهبری فعال جامعه تغییر می کند. در عین حال گرچه دو مدل مکی و مدنی وجود دارد، اما این مدل ها به طور کامل جدا از هم نیستند و پیوستگی در آنها وجود دارد. تفاوت بین نبی و کاهن

قرآن خود را از دیگر اشکال پیش گویی که در جامعه اعراب آن زمان وجود داشته متمایز می کند. قرآن، محمد(ص) را به عنوان یک پیامبر مشروع، از فالگیرها و پیشگوها متمایز می کند و به ویژگی وحی شفاهی به عنوان جنبه ای کلیدی از پیامبری او تأکید می کند. اما اینکه آیا تمایز بین «نبی» و «کاهن» منعکس کننده تفاوت بین سوره های مکی و مدنی است، باید گفت قرآن تفاوت دقیقی بین این دو قائل نمی شود و در واقع از این اصطلاحات به طور متقابل استفاده می کند تا بر پیوستگی و نه تمایز تأکید کند.

در مورد نقش پیامبران در پاک سازی(تطهیر) مردم نیز قرآن به تطهیر در چند آیه اشاره دارد اما معنی دقیق آن نامشخص است. سنت های مختلف، مانند مسیحیت و یهودیت، درک های متفاوتی از تطهیر دارند و نمی توان به طور قطع از ارتباط مفهوم تطهیر در قرآن با دیگر وظایف پیامبران گفت.

اوکانر تقسیم بندی خود را برگرفته از مطالعات موجود دانست و نه ابداعی و ابتکاری؛ همچنین آنها را اصطلاحات توصیفی برای دسته بندی عملکردهای پیامبری خواند. او تأثیر ترتیب زمانی سوره ها بر این مدل ها را به عنوان یک زمینه احتمالی برای تحقیقات آینده در نظر گرفت و تأکید کرد که بنای پژوهش خود را براساس ترتیب فعلی سوره های قرآن نهاده است.

در مورد کاربرد مدل های مکی و مدنی برای همه پیامبران، اوکانر گفت که برخی از پیامبران به خوبی با هر دو مدل همسو هستند، اما برخی تنها با یکی از آنها مطابقت دارند. به عنوان مثال، موسی و سلیمان به خوبی با مدل مدنی سازگارند و سلیمان ویژگی های یک حاکم را نیز داراست. با این حال، شخصیت هایی مانند نوح و یونس هم هستند که به طور مشخص به هیچ یک از مدل ها نمی خورند. بنابر این همه پیامبران به طور کامل در این مدل ها قرار نمی گیرند.

اوکانر در پایان خلاصه ای از کل بحث خود را بدین گونه ارائه کرد:

۱. قابلیت تطبیق مفهوم پیامبری؛ مفهوم نبوت در قرآن انعطاف پذیر است و به یک مدل ثابت محدود نمی شود.

این انعطاف پذیری به پیامبران مختلف اجازه می دهد نقش ها و عملکردهای منحصر به فردی داشته باشند. به عنوان مثال،

موسی مستقیماً با خدا صحبت می کند، در حالی که سلیمان و داود به عنوان پادشاهانی با توانایی های خاص به تصویر کشیده می شوند. قرآن این تنوع را برای نشان دادن ویژگی های منحصر به فرد مأموریت هر پیامبر و انطباق با شرایط خاص آن ها منعکس می کند.

۲. تفاوت بین نبوت و رسالت(نبی و رسول): قرآن انواع پیامبران را ذکر می کند، این امر حاکی از تفاوت بین نبوت و رسالت است. پنج پیامبر اصلی (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ص)) به عنوان افرادی با جایگاه ویژه شناخته می شوند. آنها به عنوان شخصیت های کلیدی در سیر هدایت الهی در نظر گرفته می شوند که هر کدام به نوعی به تداوم وحی الهی کمک می کنند.

۳. دیدگاه آینده نگر: در مورد جنبه آینده نگری، قرآن پیامبران را با درجات مختلفی از این منظر معرفی می کند. برخی از پیامبران نسبت به دیگران تأکید بیشتری بر داوری الهی و رویدادهای آینده دارند. شاید توصیف قرآن از این پیامبران بازتاب دهنده مأموریت ها و شخصیت های منحصر به فرد آنها باشد و نه برای رتبه بندی اهمیت آنها بر اساس پیام هایشان.

مترجم: محسن حدادی